



بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش - 19 بهمن / 1394

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

برادران عزیز! خیلی خوش آمدید، و خرسندم از اینکه روز نوزدهم بهمن هر سال، یک وسیله‌ای است، یک بهانه‌ای است برای اینکه با جمعی از شما عزیزان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران دیدار کنیم. بحمدالله دسته‌گلی از مجموعه‌ی بوستان خوش‌آب‌ورنگ نیروی هوایی ارتش هر سال در اینجا حضور پیدا میکنند و فرصت پیدا میکنیم با آنها چند کلمه صحبت کنیم.

مناسبت امروز مناسبت مهمی است؛ چون روز نوزدهم بهمن وقتی نیروی هوایی آن ارتش، خود را عرضه‌ی بر انقلاب کرد و در حضور امام حاضر شد - آنجا هم یک نمونه‌ای بودند؛ یک مشتکی از خروار، یک دسته‌گلی از یک مجموعه - در واقع معادلات در کشور تغییر پیدا کرد و معادلات حاکم بر اذهان همه دگرگون شد؛ معلوم شد که تهدید ارتش علیه مردم که نظامیان ارشد وابسته‌ی به دربار آن روز و خود دربار و پشتیبانان آمریکایی‌شان بر آن اصرار میکردند، یک توهم است و واقعیّت ندارد. بنده آن روز حاضر بودم و از نزدیک دیدم انگیزه‌ها را، شوقها را، آدمها را؛ پدیده‌ای بود و پدیده‌ی عجیبی بود. این پدیده را باید گرامی داشت؛ این حرکت پرمعنا و اثرگذار را نباید گذاشت که از تاریخ ما و از اذهان ما زوده بشود. حوادث مهمّ تاریخ، حوادث اثرگذار تاریخ صرفاً یک خاطره نیست؛ در واقع یک درس است، یک ستاره‌ی راهنما است. این حرکت نیروی هوایی آن روز، یک ستاره‌ی راهنما است برای کلّ کسانی که در این مجموعه هستند و در آینده خواهند بود. الحمدالله نیروی هوایی بعد از آن حادثه هم نشان داد که در خطّ مستقیم و خوبی حرکت میکند؛ حقاً و انصافاً این جور است. بنده در طول سالهای متممادی‌ای که با ارتش، با نیروهای مسلح و با حوادث گوناگون آنها از نزدیک سروکار داشتم، این گواهی را قاطعاً میتوانم بدهم که نیروی هوایی در جمهوری اسلامی ایران به معنای حقیقی کلمه خوب عمل کرد، هم در عملیّات، هم در پشتیبانی‌ها، هم در ساخت درونی، هم در تدارک وسایل و ابزارها. سالهای متممادی است که به ما چیزی نفروخته‌اند یا به قدر قابل توجهی نفروخته‌اند [اما] نیروی هوایی توانسته خود را سرپا نگه دارد؛ ان شاءالله بعد از این هم سرپا نگه خواهد داشت و روزبه‌روز هم قوی‌تر خواهد شد.

یک نکته‌ی دیگر این است که این حرکت روز نوزدهم بهمن سال ۵۷ از سوی نیروی هوایی، بلافاصله از سوی مردم پاسخ داده شد. این هم یک درس است؛ یعنی شب بیست‌ویکم و بیست‌ودوم بهمن، وقتی که مقرّ نیروی هوایی از طرف لشکر گارد مورد تهدید قرار گرفت - حمله کردند؛ قصدشان هم این بود که نیروی هوایی به تعبیر آنها متمرّد را تنبیه کنند - اینجا مردم به کمک نیروی هوایی شتافتند. ببینید، فوراً عکس‌العمل نشان داده میشود؛ یعنی با مردم بودن، در خدمت مردم بودن، پیوسته به مردم بودن یک مجموعه‌ی نظامی، فوراً جواب میدهد؛ یعنی مردم پشتیبان میشوند. خیلی فرق میکند که یک مجموعه‌ی نظامی متکی به مردم باشد یا نباشد؛ این خیلی تفاوت دارد. آنجا نتیجه‌ی آن حرکت را بلافاصله دریافت کردند.

من یادم نمیرود نیمه‌های آن شب - که شب بیست‌ویکم یا شب بیست‌ودوم بود و ماها در خیابان ایران در یک منزلی شبها میرفتیم و متفرّقاً بیتوته میکردیم - شنیدم صدای افرادی از داخل خیابان ایران می‌آید که مردم را به



کمک میطلبیدند برای خیابان پیروزی که بیابید آنجا، لشکر گارد حمله کرده؛ این را من به چشم خود دیدم. یعنی یک عده‌ای همان‌جا رفته بودند برای کمک به نیروی هوایی؛ یک عده‌ای هم راه افتاده بودند در سطح شهر - آن بخشی که من بودم خیابان ایران بود، بقیه‌ی جاها هم حتماً رفته بودند - و مردم را صدا میکردند و طلب میکردند که بیابید به نیروی هوایی کمک کنید؛ مردم هم می‌شتافتند و میرفتند و کمک میکردند. این هم یک نکته است؛ یعنی وقتی شما با مردم پست سر شما هستند و ارتشی که مردم پشت سرش باشند، هیچ دغدغه‌ای در مواجهه‌ی با دشمن ندارد.

بحمدالله تفاوت نیروی هوایی [فعلی] با نیروی هوایی آن روز و نیروی هوایی قبل از انقلاب، از زمین تا آسمان است. نگویند که قبل از انقلاب، هواپیماهای نو و ساخت کجا در اختیار نیروی هوایی بود، امروز آن جور هواپیماهایی را نداریم. بله، درست است که آن روز نیروی هوایی زرق و برق داشت اما پوک بود؛ امروز آن زرق و برق را ممکن است آن چنان نداشته باشد اما مستحکم است، استوار است، از درون جوشیده؛ امروز شما متکی به خودتان هستید. در گزارش فرمانده محترم نیرو شنفیتد که قطعه را شما میسازید، ابزار را شما میسازید، امکانات را شما میسازید، حرکت را شما با تدبیر خودتان انجام میدهید؛ آن روز این جور نبود. بله، آن روز پولها را بی حساب و کتاب میگرفتند - که حالا امروز مسئولین دولتی برخورد کرده‌اند به بی حساب و کتابی آن پولهایی که آن روز میگرفتند - در مقابلش به هر قیمتی که میخواستند، ابزار در اختیار نیروی هوایی میگذاشتند. البته بعد از انقلاب هم یک عده‌ای میخواستند اف‌چاره‌ها را که تازه خریده بودند، برگردانند که به حول و قوه‌ی الهی نگذاشتیم؛ میخواستند برگردانند تا همین ابزار هم نباشد. امروز نیروی هوایی دارای ابتکار است، دارای اقتدار است، توانایی‌اش قابل مقایسه‌ی با آن روز نیست؛ و روزبه‌روز هم باید قوی‌تر بشود.

وقتی که یک ملتی مورد تهدید دشمن قرار دارد، وظیفه‌ی حاکمیت در درجه‌ی اول حفظ امنیت آن ملت است. اولین وظیفه‌ی حاکمیت این است که امنیت کشور را، امنیت ملت را حفظ بکند. این امنیت به انواع مختلفی حفظ میشود؛ یکی‌اش از طریق نظامی و تقویت نظامی است. امروز شما هر ابزاری را که بتواند امنیت را پایدار کند و تضمین شده کند، بایست در اختیار داشته باشید؛ بعضی‌اش را میسازیم، بعضی‌اش را میخریم، بعضی‌اش را نگهداری میکنید. روزبه‌روز باید نیروی هوایی پیش برود؛ یعنی به هیچ حدی قانع نباشد.

ارتباطتان با نظام و با این سیل عظیم مردم را - که مشاهده میکنید پشت سر نظام و پشت سر انقلاب همچنان بعد از ۳۷ سال دارند حرکت میکنند - هرچه مستحکم‌تر کنید. مردم دلگرم میشوند از اینکه ببینند نیروهای مسلح با آنها، در کنار آنها، پیشرو آنها، حافظ آنها هستند. نیروهای مسلح هم به مردم دلگرم میشوند که پشت سر آنها دارند حرکت میکنند و جانب آنها را دارند؛ این چند جمله [درباره‌ی نیروی هوایی].

ما دو عید در پیش داریم؛ یک عید انقلاب که روز بیست و دوم بهمن است و سه روز دیگر است؛ یک عید انتخاب؛ انتخابات هم در واقع عید است. این دو عید را باید گرامی بداریم. این دو عید دو عید پرمعنا و پرمضمون است برای ما. در مورد عید اول که عید انقلاب است - روز بیست و دوم بهمن - حقیقتاً ملت ما در طول این ۳۷ سال، این روز را به معنای یک عید واقعی گرامی داشته است. عید یعنی آن مناسبتی که هر سال تکرار میشود؛ ریشه‌ی «عید» از «عود» است؛ یعنی هر سال یک روزی را به یک مناسبتی تکرار میکنیم، تکرار شادمانه؛ این تکرار شادمانه نسبت به روز بیست و دوم بهمن که روز پیروزی انقلاب تعیین شده، هر سال با قوت و قدرت ادامه داشته. این در ایران و در



همه‌ی جهان بی‌نظیر است؛ یعنی کشورهایی داشته‌ایم که انقلاب کرده‌اند [اما] سالگرد انقلاب با حضور مردم و با این حجم عظیم در سرتاسر کشور در هیچ جای دنیا نیست. این چیزی که عرض میکنم، یک واقعیتی است، این یک اطلاع است؛ حدس و تحلیل نیست؛ واقعیت این است. در کشورهای انقلابی، سالگرد انقلاب را گرمی میدارند؛ یک عده‌ای آنجا روی آن ایوان می‌ایستند، یک عده هم می‌آیند جلویشان رژه می‌روند؛ این میشود سالگرد انقلاب؛ مردم هم مشغول کار خودشان هستند. در اینجا سالگرد انقلاب به وسیله‌ی مردم اساساً بزرگداشت میشود و نگاهداشت میشود، گرمی داشته میشود. مردم هستند که می‌آیند در هوای سرد، مشکلات، یخبندان، باران، برف، همه‌جور وارد این میدان میشوند و خودشان را نشان میدهند؛ حضور مردمی. این سلسله تمام‌نشده‌ی است. شاید نیمی از کسانی که امسال در بیست و دوم بهمن شرکت میکنند، کسانی هستند که بیست و دوم بهمن [۵۷] را اصلاً ندیده‌اند و سن آنها اقتضا نمیکند؛ مال بعد از بیست و دوم بهمن [۵۷] هستند اما شرکت میکنند. در واقع این بازآفرینی انقلاب است؛ چون انقلاب ما با تیر و تفنگ و این چیزها نبود، با حضور تن مردم در خیابانها بود؛ مردم نه فقط با میلشان، نه [فقط] با اراده‌شان، نه [فقط] با احساس و عاطفه‌شان، بلکه با جسمشان در عرصه و در صحنه آمدند. سخت هم بود؛ در مقابلش تیراندازی بود، در مقابلش کشتن بود، در مقابلش خطرهای گوناگون بود؛ این خطرها را تحمل کردند و به خیابان آمدند. استمرار این اراده‌ی مستحکم و پولادین، نظام بی‌پایه و رژیم پوسیده و وابسته‌ی پهلوی را ریشه‌کن کرد؛ یعنی حضور جسمی مردم، همراه با اراده و عزم و محبت و پشتیبانی، در خیابانها و در صحنه؛ [اینها] نشانه‌ی حضور است. این حضور را مردم در این ۳۷ سال حفظ کرده‌اند، امسال هم خواهید دید که به توفیق و فضل الهی حضور مردم در خیابانها حضور چشمگیر و دشمن‌شکنی خواهد بود.

نباید گذاشت این خاطره کهنه بشود؛ نباید گذاشت این حادثه‌ی عظیم به دست غفلت و فراموشی سپرده بشود؛ انقلاب زنده است و ما در نیمه‌راه انقلابیم. عزیزان من! توجه دارید که انقلاب یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ انقلاب یک دگرگونی است؛ این دگرگونی بتدریج انجام میگردد. بله، حرکت انقلابی در اوّل لازم است، تشکیل نظام انقلابی لازم است اما تا وقتی که این انقلاب بتواند پایه‌های خود را محکم کند و اهداف خود را تحقق ببخشد، تدریج وجود دارد، مرور زمان لازم دارد. اگرچنانچه آن هدفها از یاد رفت، آن حادثه فراموش شد، آن وقت آن جوری میشود که در خیلی از کشورهای بظاهر انقلابی دیده شد؛ بعضی انقلابها در نطفه خفه شد - مثل همینهایی که در زمان ما، همین چند سال اخیر، اتفاق افتاد و واقعاً در نطفه خفه شد - بعضی هم بعد از به دنیا آمدن جوان مرگ شدند. علتش همین بود؛ علتش انحراف بود از هدفهایی که اعلام شده بود. آن هدفها بایستی باقی بمانند؛ هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی به معنای واقعی - که عزت دنیا و آخرت در زندگی اسلامی است - هدف تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی که در آن جامعه، هم علم هست، هم عدل هست، هم اخلاق هست، هم عزت هست، هم پیشرفت هست. هدف اینها است؛ ما به این هدفها هنوز نرسیده‌ایم و در نیمه‌راه این هدفها هستیم.

بایستی حادثه‌ی انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقی باشد. جبهه‌ی دشمن اتفاقاً، روی همین نقطه تکیه دارد. اینکه در خبرهای خارجی می‌بینید که فلان سیاستمدار آمریکایی گفته است که ما نظام جمهوری اسلامی را تغییر رژیم نمیخواهیم بدهیم [بلکه] تغییر رفتار میخواهیم بدهیم - میگویند دیگر؛ شنفته‌اید - تغییر رفتار یعنی همین؛ یعنی تا حالا رفتار نظام جمهوری اسلامی رفتار انقلاب بود، رفتار انقلابی بود، در خدمت انقلاب بود، میخواهیم این را تغییر بدهیم. من به دیپلمات‌های خودمان هم که چند ماه قبل از این، اینجا جمع بودند گفتم (۲) که اینها از اسم جمهوری اسلامی خیلی باکی ندارند؛ حتی از اینکه یک عمامه‌به‌سری در رأس جمهوری اسلامی باشد هم [باکی ندارند]؛ اگرچنانچه جمهوری اسلامی محتوای خود را از دست بدهد، اسلامی بودن



را و انقلابی بودن را از دست بدهد، اینها با آن کنار می‌آیند. آنچه با آن دشمنی دارند عبارت است از محتوای جمهوری اسلامی؛ جبهه‌ی دشمن این‌جور است. همه‌ی تلاش آنها این است که حرکت جمهوری اسلامی را به سمت هدفهای الهی و اسلامی، هدفهای عزت‌آفرین و قدرت‌آفرین از بین ببرند؛ دنبال این است که سلطه‌ی خود را بر این کشور دوباره تجدید کند.

ما سالهای متمادی تحت سلطه‌ی دشمن بودیم؛ در هر دوره‌ای یک جور؛ در دوره‌ی قاجار یک جور، در دوره‌ی پهلوی یک جور. در دوره‌ی قاجار تحت سلطه‌ی دو رقیب بودیم: انگلیس و روس آن‌روز؛ آن‌روز هنوز شوروی هم نبود. این یک امتیاز میگرفت، او می‌آمد میگفت شما به این امتیاز داده‌اید به من هم بدهید؛ او هم یک امتیاز [میگرفت]. بین دو قدرت، یک مسابقه‌ی امتیازگیری در کشور راه افتاده بود؛ این بی‌عرضه‌های حاکم بر کشور هم ملت را و اهداف ملت را قربانی اینها کرده بودند. آن‌روز کشور ایران پانزده بیست میلیون هم بیشتر جمعیت نداشت؛ همه چیز این ملت را آنها قربانی کردند. در زمان آنها این‌جور، در زمان پهلوی یک شکل دیگر که البته شکل بدتری بود؛ یعنی در خدمت هدفهای آنها قرار گرفتند و کشور را برای آنها باز کردند. [چون] فرهنگ ایرانی و اسلامی میتوانست ملت را وادار به مقاومت کند، این فرهنگ را تغییر دادند. آن روحیه‌ای که در قضیه‌ی تنباکو توانست تو دهن کمپانی خارجی بزند، آن انگیزه‌ای که در قضیه‌ی مشروطه توانست مردم را وارد صحنه بکند، در دوران پهلوی سعی کردند آن روحیه و آن انگیزه را از بین ببرند؛ تلاششان این بود. رضاخان و محمدرضا هم در خدمت آنها، هرکاری خواستند اینها کردند. البته خودشان هم اعتقادی نداشتند و بی‌اعتقاد بودند اما هرچه آنها دستور دادند اینها انجام دادند. در طول سالهای متمادی، این وضع کشور بوده است.

این کشور به‌خاطر جوهر اسلامی، به‌خاطر استعداد ایرانی، به‌خاطر امتیازات و اختصاصاتی که جامعه‌ی ایرانی دارد و خیلی از جوامع همسایه و خیلی از جوامع دنیا ندارند، به‌خاطر این اختصاصات و به‌خاطر ظهور یک رهبر فوق‌العاده و استثنائی مثل امام بزرگوار، توانست خودش را از زیر بار این‌همه فشار خلاص کند، سرپا بایستد، حرفش را بزند، کار خودش را بکند، حرکت خودش را بکند. میخواهند این را از بین ببرند؛ امروز جبهه‌ی دشمن دنبال این است.

درست است که امروز هیاهوی جنگ سخت در دهن دشمن هم هست - ممکن هم هست؛ ما اگرچه بعید میدانیم اما محال نمیدانیم - اما آنچه فعلاً در دستور کار او است جنگ نرم است. هدف جنگ نرم این است که مؤلفه‌های قدرت را از یک کشوری بگیرد و سلب کند؛ از نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مؤلفه‌های قدرت را بگیرد و او را تبدیل کند به یک ملت ضعیف، به یک ملت زبون، به یک ملت تسلیم‌پذیر؛ هدف اینها است. بعد که یک ملت تسلیم‌پذیر شد، دیگر اصلاً احتیاجی به جنگ سخت به وجود نمی‌آید؛ اگر هم یک وقتی لازم شد، بی‌دغدغه میتوانند این کار را انجام بدهند، که امروز جرئت نمیکنند. آن‌روز که خدای نخواستہ ملت ایران دچار ضعف بشود، مؤلفه‌های قدرت خود را از دست بدهد، این کار برایشان خیلی آسان خواهد بود. احیاء انقلاب در ذهنها، حفظ و حراست از تفکر انقلابی و جهت‌گیری انقلابی در عمل، در بیان، در رفتار، در تصمیم‌گیری‌ها و در مقررات و قوانین؛ اینها کارهایی است که میتواند جلوی آن وضعیّت دهشتناک را بگیرد؛ میتواند ملت را در همین جاده‌ی استحکام و استقراری که دارد پیش ببرد. خب، این مربوط به مسائل عید انقلاب که ان‌شاءالله در بیست و دوم بهمن، حضور مردم در خیابانها و در عرصه‌های گوناگون، به فضل الهی حضور مایوس‌کننده‌ی دشمن خواهد بود. بعد هم عید انتخابات؛ انتخابات هم عید است.



بنده قبلاً راجع به انتخابات قدری صحبت کرده‌ام؛ (۳) حرف هم در مورد انتخابات زیاد هست. انتخابات تزریق خون تازه در کالبد نظام جمهوری اسلامی است؛ تجدید قوا و تجدید نیرو برای ملت است. یک عده‌ای می‌آیند، مسئولیتهایی را به عهده می‌گیرند و کارهایی را انجام می‌دهند؛ مقداری می‌توانند، مقداری نمی‌توانند، بعضی می‌توانند، بعضی نمی‌توانند؛ برای ملت این حق قرار داده شده است که در یک مقطع معینی -در مورد مجلس یا ریاست جمهوری و غیره چهارساله، در مورد خبرگان با یک فاصله‌ی بیشتر- بیایند وسط میدان و تصمیم‌گیری کنند که این باشد و آن نباشد. انتخابات یعنی این؛ یعنی یک روح جدید، یک خون تازه و یک نفس نو به کشور و به ملت و به مردم دادن؛ انتخابات این است. اینکه بنده اصرار می‌کنم همه در انتخابات شرکت کنند برای این است. انتخابات وقتی همگانی شد و وقتی همه شرکت کردند، کشور عزت پیدا میکند، نظام جمهوری اسلامی عزت پیدا میکند، کشور بیمه می‌شود، نظام جمهوری اسلامی بیمه می‌شود. انتخابات، بیعت تازه‌ای با آن هدفهای عالی است؛ این معنای انتخابات است. لذا برای همه‌ی مردم فریضه می‌شود که در این حادثه‌ی بزرگ شرکت کنند.

یکی از هدفهای دائمی جبهه‌ی دشمن -که در رأسش هم آمریکا است- از اوّل انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته‌اند این شکاف را به وجود بیاورند؛ البته موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله‌ی مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس میکند؛ یعنی نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه‌ی دشمن را بکلی از بین می‌برد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «ان تنصروا الله» است.

قرآن می‌گوید: ان تنصروا الله ینصرکم؛ (۴) اگر شما خدا را نصرت کردید، خدای متعال هم شما را نصرت خواهد کرد. نصرت کردن خدا چیست؟ چه جوری است؟ نصرت کردن خدا یعنی سعی در تحقق اراده‌ی تشریحی الهی در روی زمین. جمهوری اسلامی بزرگ‌ترین مصداقش است؛ هرکسی که جمهوری اسلامی را به هر شکلی نصرت کند، «ان تنصروا الله» است؛ خدا را نصرت کرده است. آن وقت جوابش چیست؟ ینصرکم؛ خدا هم شما را نصرت میکند. مگر نشده این جوری؟ مگر همین از اوّل انقلاب جواب نداده؟ مگر امتحان نشده؟ از اوّل انقلاب تا امروز چه کسانی با ما مواجه بودند؟ واقعاً یک نگاه دقیقی همه بکنند؛ البته اهل فکر و نظر این نگاه را میکنند. از اوّل انقلاب، قدرتهای مادی درجه‌ی یک دنیا روبه‌روی نظام جمهوری اسلامی بودند و نتوانستند کاری بکنند. انقلاب وقتی در یک کشوری وارد بشود، طبیعت انقلاب این است که یک مقدار آشفستگی و نابسامانی به وجود می‌آورد. اینها در آن روزهای نابسامانی اوّل، سعی کردند کشور را تجزیه کنند؛ سعی کردند کودتا کنند، نشد؛ جنگ تحمیلی را راه انداختند و هشت سال جنگ بر این مملکت تحمیل کردند؛ از همان روزهای اوّل تحریم کردند؛ این تحریمهایی که شما می‌بینید، دنباله‌ی تحریمهای اوّلی است و البته روزبه‌روز هم تشدید کردند. خب، کدام کشور میتواند ایستادگی کند؟ کدام کشور میتواند در مقابل این همه تهدید مقاومت کند؟ اما نظام جمهوری اسلامی و ایران اسلامی مقاومت کرد؛ نه فقط خود را نگه داشت، خود را تقویت کرد. امروز قدرت جمهوری اسلامی با روزهای اوّل قابل مقایسه نیست؛ به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، در یک مواردی یک قدرت جهانی؛ در یک مسائلی کشور شما یک قدرت جهانی است؛ در عداد (۵) قدرتهای جهانی است؛ نظر و رأیش در برخی از مسائل عالم از نظر و رأی قدرتهای درجه‌ی یک دنیا مؤثرتر است؛ امروز این جوری است؛ تبدیل شده به یک چنین چیزی. یعنی نصرت الهی آمد، «ان تنصروا الله» ای که شما کردید، دنبالش «ینصرکم» را آورد، خدا یاری کرد شما را؛ اگر خدا یاری نمی‌کرد نمیشد. این «ان تنصروا الله» را ادامه باید داد. حضور مردم در انتخابات، یکی از همین چیزها است.



من البته در باب انتخابات، زیاد حرف دارم. چیزهایی هم میگویند، حرفهایی این روزها زده میشود که بنده نمیخواهم بپردازم به آن حرفها که مایه‌ی تشویش افکار عمومی و مایه‌ی تردید دل‌های مردم میشوند؛ حرفهای نامناسب و غلط، فقط با نگاه سیاسی به مسائل نگاه کردن، نگاه خدایی را بکلی کنار گذاشتن؛ از این حرفها گاهی این روزها شنیده میشود. من نمیخواهم فعلاً به این چیزها بپردازم؛ آنچه من میخواهم عرض بکنم، این است که ملت بداند عزت او، افتخار او، اقتدار او، ایستادگی او در مقابل جبهه‌ی دشمن، به این است که وظایف انقلابی خودش را خوب انجام بدهد و یکی از مهم‌ترین‌هایش انتخابات است؛ این خطاب به ملت. یک خطاب هم به مسئولین دارم در مورد انتخابات. خب، مسئولین، مسئولین دولتی حتماً زحمت میکشند، تلاش میکنند؛ هم برای برگزاری انتخابات، هم برای مسائل دیگر مشغول تلاشند و زحمت میکشند. من میخواهم بگویم مسائل تبلیغاتی و روزنامه‌ای انتخابات، مسئولین کشور را از مسائل مستمر و دنباله‌دار و اساسی غافل نکند. انتخابات خیلی مهم است؛ همین‌طور که گفتیم و خواهیم گفت، در نهایت اهمیت است اما انتخابات یک مسئله‌ی مقطعی است، مال یک مقطع خاص است، این مقطع تمام میشود، آنچه باقی میماند، مسائل اساسی کشور است که یکی از این مسائل، مسئله‌ی اقتصاد کشور است؛ مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد، در مجموعه‌ی کار اقتصادی که دشمن نتواند از طریق اقتصاد بر کشور فشار وارد کند و خواسته‌ی خودش و اراده‌ی خودش را تحمیل کند. ما اگر وابسته‌ی به نفت نباشیم، ما اگر تولید داخلی‌مان را تقویت بکنیم، آن روزی که نفت از صد دلار می‌آید به بیست و چند دلار، دیگر تنمان نمی‌لرزد. ما اگر بتوانیم تولید داخلی را رونق بدهیم، رکود را از بین ببریم، آن وقتی که دشمن واردات فلان کالا را محدود میکند، ممنوع میکند، ما خم به ابرو نمی‌آوریم. اقتصاد درونی را باید تقویت کرد. کشور، کشور بزرگی است؛ ما یک کشور بزرگ و چهار فصل داریم، کشوری داریم با امکانات فراوان و مهم‌ترین امکانات ما هم نیروی انسانی ما است؛ نیروی انسانی با استعداد، کارآمد، جوان، پُرانگیزه. یکی از بیشترین رقم تحصیل کرده‌ها را در کشورهای دنیا ما داریم؛ یکی از بیشترین رقم مهندسی‌ن دنیا را ما داریم؛ در بسیاری از رشته‌های علمی جزو چهار پنج شش کشور اول دنیا هستیم. این نیروی انسانی چیز کمی نیست؛ این بالاترین منبع پیشرفت برای یک کشور است؛ آن وقت این سرزمین وسیع، این فصول مختلف، اقلیم‌های مختلف در جاهای مختلف کشور، این منابع عظیمی که در این کشور وجود دارد، اینها همه امکاناتی است که به ما این قدرت را میبخشد که اقتصاد خودمان را اقتصاد مقاوم کنیم. وقتی شما اقتصاد خودتان را در درون مقاوم کردید، دیگران به جای اینکه شما را تحریم کنند، می‌آیند متت شما را میکشند؛ وقتی دیدند شما از فشار اقتصادی، از تحریم اقتصادی خم به ابرو نمی‌آورید، عقب‌نشینی نمی‌کنید، مجبور به قبول شکست نمی‌شوید، آن وقت دیگر غلط میکنند تحریم کنند؛ می‌فهمند که کار بی‌فایده‌ای است. این اساس کار است. اینکه بنده می‌گویم «اقتصاد مقاومتی» و تکرار میکنم، به خاطر این است. بنده از ده سال، دوازده سال پیش دارم این حرف را با صدای بلند می‌زنم که اگر اقتصاد کشور را در درون مقاوم‌سازی بکنیم، عمده‌ی مشکلات ناشی از دشمن از بین خواهد رفت و برای اشتغال‌مان، برای جوان‌هایمان، برای رفع خیلی از آسیب‌های اجتماعی که ناشی از بیکاری و رکود است، آن وقت دیگر راه‌حل‌های روشنی پیدا خواهد شد.

توصیه‌ی من به مسئولین محترم کشور این است که این جنجال‌های روزنامه‌ای مربوط به انتخابات، سر اینها را گرم نکند، مشغول نکند؛ به فکر اقتصاد باشید. منابع را به سمت آنجایی هدایت کنید که باید هدایت کرد؛ یعنی به سمت تولید؛ چه تولید کشاورزی، چه تولید صنعتی. کشور با این عظمت، با این بزرگی، با این همه محصولات متنوع، آدم خجالت میکشد وقتی میبیند -حالا بنده در روزنامه میبینم، شماها در خیابان می‌بینید- انواع و اقسام میوه‌ی خارجی را در خیابان! پرتقال ما، سیب ما روی درخت میماند، آن وقت برویم میوه‌ی خارجی وارد کنیم؟ اینها را باید فکر کرد،



اینها را باید کار کرد. ببرند منابع کشور را به سمت تولید، نه به سمت وابستگی بیشتر، نه به سمت واردات. آن وقت مسئله‌ای مثل مسئله‌ی انتخابات وقتی پیش می‌آید، همه‌ی حواسها را پرت کند، همه [به آن] بپردازند؛ خوب نه، این مسئله مسئله‌ی گذرا است؛ کسانی که باید فکر کنند دارند فکر میکنند، کسانی که باید عمل کنند دارند عمل میکنند؛ مسئولین کشور ذهنشان را به این چیزها مشغول نکنند. این چیزی است که من، هم به مردم عزیزمان عرض میکنم، هم به مسئولین محترم عرض میکنم: همه‌ی سیاستهای ما، همه‌ی رفتارهای ما باید با توجه به وجود یک جبهه‌ی دشمن وسیع باشد؛ باید همه‌ی توجه ما به این باشد. هیچ انسانی را، هیچ مجموعه‌ای را مردم ستایش نمیکند وقتی که از وجود دشمن غفلت کند؛ تعریف نمیکند که دل اینها با همه خوش است. خوب بله، او لبخند میزند، شما هم لبخند میزنی اما مواظب باش که پشت این لبخند چیست! دشمنی‌ها را نباید فراموش کرد، دشمنها را نبایستی از یاد برد. یک جبهه‌ی دشمن در مقابل ما وجود دارد. ما امروز در مسئله‌ی امنیتان، در مسئله‌ی اقتصادمان، در معیشتان، در فرهنگمان، در مسئله‌ی جوانها، در مسئله‌ی آسیب‌های اجتماعی باید توجه کنیم که نقش این دشمن چیست و در همه‌ی مسائل براساس این سیاست‌گذاری کنیم، براساس این قانون‌گذاری کنیم، براساس این اقدام کنیم، براساس این حرف بزنیم. غفلت از دشمن افتخار ندارد؛ بدانیم دشمن هست. بعضی‌ها اعتراض میکنند که آقا، شما چرا دائماً می‌گویید دشمن دشمن؛ خوب [اگر] نگوئیم، یادمان میرود که دشمن داریم و آن وقت دشمن در غفلت ما می‌آید هر کار دلش خواست میکند.

هم دشمن را باید شناخت، هم دشمنی‌های او را باید شناخت، هم به قول سعدی که می‌گوید -شبییه این عبارت- دشمن چون از همه کار فرو ماند، سلسله‌ی دوستی بجنباند؛ وقتی سلسله‌ی دوستی جنباند، آن وقت کاری کند که هیچ دشمنی نتواند کرد؛ (۶) یعنی در لباس دوستی ضربه را وارد کند. همه‌ی ما باید حواسمان به این چیزها باشد. خوب، بحمدالله فعالیت‌های مسئولین کشور خوب است، حقاً و انصافاً دارند فعالیت میکنند، تلاش میکنند؛ منتها مراقبت مضاعف لازم است؛ چون این دشمن دشمن نابکاری است، دشمن وقیح و بی‌حیائی است.

آمریکا به ساده‌ترین سؤالیهای افکار عمومی دنیا امروز جواب نمیدهد. افکار عمومی دنیا از آمریکایی‌ها میپرسند آیا شما خبر دارید که یک کشوری دارد یمن را ده ماه، یازده ماه بمباران میکند، شهرها را نابود میکند؟ اطلاع دارید یا اطلاع ندارید؟ اگر اطلاع دارید چرا حمایت میکنید؟ اگر اطلاع دارید چرا اعتراض نمیکند؟ اگر اطلاع دارید و این را جنایت میدانید، چرا هواپیماهای سوخت‌رسان‌تان به آنها کمک میکنند؟ چرا کمک میکنید؟ چرا حمایت میکنید؟ شما که دم از حقوق بشر می‌زنید، جوابش را بدهید. اینکه هزاران کودک، هزاران زن و مرد، غیر نظامی، داخل خانه‌ها، در بیمارستان‌ها، در مدرسه‌ها بدون هیچ دفاعی کشته بشوند، تروریسم نیست؟ این وقیح‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شکل تروریسم دولتی نیست؟ چرا از آن حمایت میکنید؟ آمریکایی‌ها به این جواب نمیدهند؛ صاف صاف به چشم مردم دنیا نگاه میکنند، ادعای طرف‌داری از حقوق بشر هم میکنند! این حالا یمن است؛ مسئله، مسئله‌ی این یک سال اخیر است؛ آن طرف فلسطین است با ۶۰ سال، ۶۵ سال سابقه. می‌بینید مردم فلسطین را دارند چه کار میکنند، می‌بینید خانه‌هایشان را خراب میکنند، می‌بینید مزرعه‌هایشان را نابود میکنند، می‌بینید ساختمان‌سازی میکنند و عناصر صهیونیست را با تفنگ در آن خانه‌ها می‌نشانند و مسلح نگهشان میدارند؛ اینها را می‌بینید، [پس] چرا دفاع میکنید؟ چرا پول میدهید؟ چرا دائماً در قبال به قول خودتان لابی صهیونیستی داخل آمریکا کوتاه می‌آید و دائماً تملق می‌گویید؟ چرا؟ اینها سؤالات ساده‌ی افکار عمومی است. به یک کلمه از این سؤالیها جواب نمیدهند. آن وقت ادعای دوستی میکنند، ادعای علاقه‌مندی به حقوق بشر میکنند، ادعای دموکراسی میکنند. در کشورهایی که هم‌پیمان آمریکا در منطقه‌ی ما هستند، اسم انتخابات را نمیشود آورد، اصلاً با پدیده‌ای به نام انتخابات آشنایی



ندارند، اصلاً نمیفهمند انتخابات چیست، [اما] آمریکای طرفدار دموکراسی با اینها عقد اخوت بسته؛ [آن‌هم] چه جور! همه جور هم از آنها دفاع میکند. دشمن ما یک چنین دشمنی است؛ آمریکا یک چنین موجودی است. البته من بارها گفته‌ام که منظور، هیئت حاکمه‌ی آمریکا است؛ منظور نظام آمریکایی است - به مردم آمریکا ما کاری نداریم - نظام آمریکا یک چنین نظامی است. وقیحانه‌ترین کارهای خلاف را انجام می‌دهند، بعد هم تو روی آدم می‌خندند، و جوابی هم به این سؤالات نمی‌دهند! خب، اگر واقعاً جوابی دارند جواب بدهند به افکار عمومی عالم. وقتی یک کشوری در مقابل یک چنین دشمنی است، باید حواسش جمع باشد؛ ملت ایران باید حواسش جمع باشد. به فضل الهی، حواس ملت ایران جمع است و جمع بوده است، و این حرکت عظیم مردمی تاکنون توانسته است تدبیر این دشمن حيله‌گر و غدار و نابکار را خنثی بکند؛ بعد از این هم به فضل الهی این دشمن را خوار خواهد کرد.

عزیزان من! مسئولیت خودتان را قدر بدانید، جوانی خودتان را قدر بدانید؛ شما جوانید، با انگیزه‌اید، مسئولیت هم دارید، می‌توانید کار کنید؛ در یک چنین فضائی، در یک چنین محیطی کار کردن عبادت است. با نیت خالص برای خدا و برای پیشبرد کشور و ارتش و نیروی هوایی به سمت این هدفها کار کنید. هرچه بیشتر کار کنید، خدای متعال به عمر شما و به تلاش شما بیشتر برکت خواهد داد.

امیدواریم ان شاء الله روح مطهر امام بزرگوار و ارواح مطهر شهدا، بخصوص شهدای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از همه‌ی شماها و از همه‌ی ما راضی باشند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار امیر سرتیپ خلبان حسن شاه‌صفی (فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.

۲) بیانات در دیدار وزیر، مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور (۱۳۹۴/۸/۱۰)

۳) از جمله، بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور (۱۳۹۴/۱۰/۱۴)

۴) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

۵) شمار

۶) گلستان، باب هشتم (با اندکی تفاوت)